

اختلافات غالباً از هوس‌های نفسانی برمی‌خیزد

حفظ وحدت را اصل قرار بدهیم

تلاش برای تحقق تمدن اسلامی

رهبر حکیم انقلاب اسلامی مراحل پنج‌گانه‌ای را برای تحقق تمدن نوین اسلامی برشمرده‌اند و آنها را در سخنرانی‌های متعددی در طول این سال‌ها تبیین کرده‌اند. به فرموده ایشان: «یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است.» (1383/8/6)

از نگاه معظم‌له اینک در مرحله دشوار تلاش برای تحقق دولت اسلامی قرار داریم و بی‌شک تداوم راه نیازمند اراده‌هایی است که با توکل به خدا، امید به موفقیت، پشتکار و همت بلند و تدبیر و برنامه‌ریزی این مسیر را ادامه دهند و این همه در انسان‌های انقلابی جمع خواهد آمد. امام و راهنمای جامعه و رهبر نهضت تحقق تمدن اسلامی در پاسخ به پرسشگری که پرسیده بود: «راه برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی چیست؟» می‌فرمایند: «راهش تربیت نسلی است با یک خصوصیتی که آن خصوصیات اینها است؛ یک نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیشگام، خودباور، غیور؛ - البته خوشبختانه ما امروز در نسل جوان بسیاری از این خصوصیات را داریم؛ اما این بایستی گسترش پیدا کند - چنین نسلی لازم داریم. بایستی ایمان داشته باشد، سواد داشته باشد، غیرت داشته باشد، شجاعت داشته باشد، خودباوری داشته باشد، انگیزه کافی برای حرکت داشته باشد، توان جسمی و فکری حرکت داشته باشد، هدف را در نظر بگیرد، چشم را به اهداف دور متوجه بکند و به تعبیر امیرالمؤمنین «عَرِ اللَّهُ جُمَّتَكَ»؛ زندگی خودش و وجود خودش را بگذارد در راه این هدف و با جدیت حرکت کند؛ در یک کلمه یعنی یک موجود انقلابی؛ معنای انقلابی این است.» (1395/7/28)

روحیه و مدیریت انقلابی موتور محرکه برای پیشرفت و حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی

بی‌شک تربیت چنین نسلی، تنها از مسیر همدلی و همگرایی و وحدت بین جریان انقلابی میسر خواهد بود و افتادن در گرداب اختلاف و واگرایی، تنها مسیر تحقق تمدن اسلامی را ناهموار کرده و زمان دستیابی به آن را به تأخیر می‌اندازد.

روحیه انقلابی‌گری را باید رمز تحول و دال مرکزی گفتمان پیشرفت کشور دانست. این روحیه به مثابه گفتمانی فراگیر باید در همه نخبگان کشور و نیروهای مؤثر و کارآمد در امور کشور وجود داشته باشد. شواهد نشان می‌دهد که در طول چهار دهه گذشته نیز تمسک به این روحیه رمز موفقیت و پیشرفت نظام اسلامی بوده است. به فرموده رهبر معظم انقلاب اسلامی: «بعد از رحلت امام، ما هر جا انقلابی عمل کردیم، پیش رفتیم و هر جا از انقلابی‌گری و حرکت جهادی غفلت کردیم، عقب ماندیم و ناکام شدیم؛ این یک واقعیتی است. بنده در این سال‌ها خودم مسئول بودم؛ اگر تقصیری در این مطلب باشد، متوجه این حقیر هم هست؛ هر جا انقلابی بودیم، جهادی حرکت کردیم، بر روی آن ریل حرکت کردیم، پیش رفتیم؛ هر جا کوتاهی کردیم و غفلت کردیم، عقب ماندیم. می‌توانیم برسیم به شرط اینکه انقلابی حرکت کنیم و انقلابی پیش برویم.» (1395/3/14) معظم‌له در آغاز سال جدید در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی نیز بر همین موضوع تأکید داشتند: «کار وقتی با روحیه انقلابی شد، پیشرفت خواهد کرد.» (1395/1/1)

تفرقه و تشتت در نیروهای انقلابی یا وحدت و همدلی

رهبر معظم انقلاب تأکید دارند که «اختلافات غالباً از هوس‌های نفسانی برمی‌خیزد. اگر کسی بگوید این عمل من که اختلاف‌انگیز بود، تفرقه‌انگیز بود، برای خداست، این را باور نکنید.» (1387/4/4)

«حفظ وحدت را اصل قرار بدهیم و اگر تکلیف شرعی‌ای هم احساس کردیم، ولی دیدیم عمل به این تکلیف ممکن است مقداری تشنج به وجود آورد و وحدت را از بین ببرد، قطعاً انجام آنچه که تصور می‌کردیم تکلیف شرعی است، حرام است و حفظ وحدت واجب خواهد بود.» (1368/4/12)

اختلاف و تشتت، وضعیتی نیست که بتوان آن را پنهان نگه داشت تا در برابر افکار عمومی عیان نشود. مردم خیلی زود اختلاف نظرات و اعمال سیاسی واگرایانه را - که گاه حتی در مجادلات قلمی و کلامی آشکار می‌شود - متوجه خواهند شد. به یقین وجود اختلاف در درون اردوگاه نیروهای انقلابی تأثیرات نامطلوبی بر توده‌ها و بدنه اجتماعی مؤمن و انقلابی خواهد گذاشت و القاکننده یأس و ناامیدی و بی‌اعتمادی خواهد بود؛ چرا که وقتی جریانی که مدعی کار برای رضای خدا و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی است، نمی‌تواند در درون خود بر اختلافات فائق آید، چگونه می‌تواند مدعی باشد که خواهد توانست رافع مشکلات کشور باشد؟! چگونه خواهد توانست پس از کسب قدرت بر منازعات و اختلافات غلبه کرده و به اداره کشور و توسعه و پیشرفت کشور و دیگر وعده‌های داده شده عمل کند؟

نفوذ دشمن در ارکان قدرت

«نفوذ» داستانی قدیمی و پرسابقه به طول عمر انقلاب اسلامی دارد و دشمن همواره تلاش کرده در سطوح مختلف حاکمیت در جمهوری اسلامی نفوذ کند. در سال‌های اخیر و پس از شکل‌گیری فرآیند تصویب برجام مرحله جدیدی از پروژه نفوذ کلید خورده و در دو سطح نفوذ فردی و نفوذ جریانی دنبال شده است. اولین و ساده‌ترین نوع نفوذ، نفوذ موردی و انفرادی است.

در این شیوه، قدرت‌های متخاصم تلاش می‌کنند نیروهای خود را با بهره‌گیری از رخنه‌های موجود در طرف مقابل، وارد خانه حریف کنند تا به اهداف مورد نظر خود برسند. اهداف این نفوذگران می‌تواند از ساده‌ترین مسائل ممکن همچون کسب اطلاع و جاسوسی گرفته تا پیچیده‌ترین هدف‌گذاری‌ها، یعنی وارد کردن نفوذی در بدنه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی سازمان حریف باشد. نفوذی‌ها که هدف دخالت و جهت‌دهی در مسیر تصمیم‌سازی را دارند، یا در بدنه نظام تصمیم‌گیری رخنه کرده و در فرایند کارشناسی، جایگاه خود را ارتقا می‌دهند، یا با بهره‌گیری از تعاملات شخصی با برخی از شخصیت‌های مؤثر، فرایند تصمیم‌سازی را به دلخواه هدایت کرده و راهبرد خود را بر اساس عملیات «مدیریت ادراک» نخبگان بنا می‌کنند.

دیگر مسیر نفوذ که بسیار پیچیده‌تر و زیانبارتر از روش اول است، «نفوذ جریانی و شبکه‌ای» است که در آن جریان انسانی گسترده، ولی پنهان از نیروهای نفوذگر که دارای ارتباط وسیعی میان خود هستند، وارد محیط حریف شده و با بهره‌گیری از بسترهای موجود سعی می‌کند مسیر جامعه را تغییر دهد. اگر نفوذ انفرادی، به دنبال جهت‌دهی به معدودی از نخبگان بود، نفوذ شبکه‌ای، عموم جامعه را هدف قرار داده و فرایندی فراگیر را تعقیب می‌کند. ویژگی مهم این نوع از نفوذ، چندلایه و فرابخشی بودن آن است، به این معنا که در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی، نیروهای نفوذی وارد محیط نفوذپذیر شده و هر یک بدون آنکه حساسیت‌برانگیز باشند، پشتیبان فرایند دیگری هستند و در نتیجه این هم‌افزایی شبکه نفوذ، موجی سهمگین از پیامدهای نفوذ در محیط ملی بروز و ظهور می‌یابد. بنای عمده این روش بر دو مؤلفه تأثیرگذار نفسانی، یعنی «پول» و «جاذبه‌های جنسی» پی‌ریزی شده است و عملیات آن بر مبنای «جنگ نرم» است که با هدف تغییر آرمان‌ها، باورها و سبک زندگی جامعه آماج دنبال می‌شود.

نکته مهمی که در بررسی پدیده نفوذ - چه از نوع انفرادی و چه جریانی - باید به آن اشاره شود، ماهیت تدریجی و پنهان پیشبرد این امر است که همین دو ویژگی سبب می‌شود در بسیاری از موارد فرد یا محیط نفوذپذیر در مواجهه با آن سهل‌اندیشانه و ساده‌انگارانه برخورد کند و حتی دلسوزانی را که به او در خصوص مخاطرات نفوذ هشدار می‌دهند، به برخورد جناحی و دشمنی شخصی متهم کنند. نفوذ، این امکان را به دشمن می‌دهد تا در صورت لزوم، تصمیم رفتاری و گفتاری خود را به سادگی از داخل محیط خودی محقق کند که در این صورت به طور ناخودآگاه مطمئن‌ترین نیروهای خودی به پیاده‌نظام دشمن تبدیل می‌شوند، چنانکه در فتنه 88 غفلت یا تغافل برخی از خواص سبب شد دشمن امیدوار شود. در واقع، آنها نقش پیاده نظام دشمن را ایفا کردند.

یکی از مهم‌ترین بسترهای اثرگذاری و موفقیت پروژه نفوذ، مشغول شدن به اختلافات و مباحث کم‌اهمیت و عدم توجه و تمرکز و هوشیاری نیروهای مؤمن و انقلاب نسبت به مسائل اساسی از جمله این مسئله است. تفرق و تنش و درگیری و رقابت درون‌گفتمانی بهترین بستری است که نفوذی‌ها به سادگی می‌توانند در ارکان قدرت نفوذ کرده و اهداف خود را محقق کنند، بدون آنکه چشم بینایی بتواند این فعالیت‌ها را رصد کند.